

# شعرهای ماشینی

تصویرگر: سولماز جوشقانی

## آی ماشینا...

● شکوه قاسم‌نیا

آی ماشینا یواش برین  
آب نپاشین رو کفشام  
این کفشارو برای من  
تازه خریده بابام

## آتش‌نشانی

● جعفر ابراهیمی

راه رو برام باز بکنید  
برید کنار، برید کنار  
وقت ندارم، باید برم  
دنبال چی؟ دنبال کار

نمی‌تونم یواش برم  
باید برم زود برسم  
باید برم با عجله  
به آتیش و دود برسم

حتی چراغ قرمزو  
باید فراموش بکنم  
باید برم زود برسم  
آتیش رو خاموش بکنم

## ماشین گرگه

● افسانه شعبان‌نژاد

گرگه تو ماشینش نشست  
فوری کمر بندشو بست

از تو کتاب اومد بیرون  
کجا رسید؟ به شهرمون

این جا به جز چاله ندید  
برّه و بزغاله ندید

خسته شد و یواش یواش  
رفت تو کتاب قصه‌هاش



# وانتِ بابام

● مہری ماہوتی

وانتِ بابام می خواد برہ  
توش یہ عالم مسافرہ

مسافراش تو جای کم  
شعر می خونن برای ہم

به ہم می گن: بع بع بع  
جات راحتہ؟ نع نع نع!

## ماشین بازی

● اسدالہ شعبانی

ماشین من قشنگہ  
کوچک و رنگارنگہ

کلاچ و دَندہ دارہ  
بوقش چہ خندہ دارہ

وقتی کہ بوق می زنم  
داداش می فہمہ منم

داداش من پلیسہ  
جریمہ می نویسہ

